

دکتر محمود مهدوی دامغانی

استادیار زبان و ادبیات فارسی

توضیح نکته‌هایی در ستایش‌های حکیم سنایی از حضرت ختمی مرتبت (ص)

چکیده

در راستای درستی یا نادرستی حدیث قومی «الولاک لما خلقت
الافلاک» گوناگون سخن گفته‌اند در منابع کهن اعتراضی طرح کرده‌اند
کلمه «لولا» بر سر ضمیر متصل در نمی‌آید، با توجه به استاد به این حدیث
در متون ارزنده نظم و نثر این نوشتار کندوکاوی درباره درستی این
مسئله است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژه‌های کلیدی:

سنایی، حدیقه، حدیث، «لولاک» ...

کمتراً کسی از شاعران پارسی زبان پیش از سده ششم و نیز پس از آن، به اندازه سنایی در ستایش نبی مکرم که درودهای خداوند بر آن حضرت و خاندان مکرمش باد، شعر سروده است؟ و با توجه به این موضوع که سنایی در مقدمه بیشتر ستایش‌های خود از پیامبر (ص) و خلفای راشدین و دیگر بزرگان دین، بخشی عربی در چند سطر آورده است و از آیه‌های قرآن و احادیث اسلامی برای تأیید نظر خود به صورت گسترده بهره برده است، در این نوشتار به چند نکته اشاره می‌شود، بزرگان و نامورانی که گزیده‌هایی از حدیقه الحقیقه برگزیده‌اند، لازم نبوده است که به این نکته‌ها بذل عنایت فرمایند. اینک با اقرار به آنکه اگر همه نکات توضیح داده شود، بیرون از اندازه این نوشتار مختصر است به گفته معروف مولوی قناعت می‌شود که چه نیکو فرموده است «هم به قدر تشنگی باید چشید.»

نسخه‌های مورد استفاده، حدیقه و دیوان و مثنوی‌های سنایی است که به همت والای استاد فقید و دانشمند و متدین که به راستی نمونه فضیلت‌های فراموش شده این روزگار بود یعنی سید جلیل‌القدر استاد محمدتقی مدرس رضوی چاپ و تصحیح شده است، بد نیست این نکته را بیفزاییم که استاد بزرگوار به روز یکشنبه بیست و پنجم آبان ماه یک هزار و سیصد و شصت و پنج خورشیدی برابر سیزدهم ربیع‌الاول یکهزار و چهارصد و هفت قمری در تهران درگذشت و پیکرش به مشهد منتقل شد و در صحن نو (آزادی) به خاک سپرده شد، خدایش قرین آرامش ابدی بداراد بمنه و کرمه:

الف: حدیقه: مجموعه ابیات حدیقه که در این باره است از صفحه ۱۸۹ تا ۲۲۵ را در بر دارد و هشتصد بیت است که خود دیوانی جداگانه شمرده می‌شود و هر بیت آن نیاز به شرح و توضیح دارد، خوشبختانه بخشهایی را استادان محترمی که گزیده‌هایی برگزیده‌اند توضیح داده‌اند و نیازی به تکرار نیست.

در صفحه ۱۸۹ سطر ششم آیه مبارکه شماره چهارم و ششم سوره سی و سوم دارای دو غلط چاپی است یعنی «بادنه و سراجاً منیراً» به صورت «بادنه و سراجا و منیراً» چاپ شده است و کتاب هم دارای غلط نامه نیست و در این مورد هم در پابرجی، شماره آیه و سوره مشخص نشده است که البته در بیشتر موارد دیگر استخراج و مشخص شده است، آیه پیش از این آیه هم از همان سوره احزاب و به شماره پنجاه و شش است، آیه بعد که

نمودار رحمت حضرت ختمی مرتبت برای همه جهانیان است تمام آیه شماره یکصد و هفتم از سوره بیست و یکم است.

سنایی پس از استشهاد به آیه‌های قرآن به روش پسندیده آن زمان به حدیث استناد می‌فرماید و این موضوع در کتابهای اخلاق و آداب و سنن بسیار متداول بوده است و به عنوان نمونه غزالی در نگارش احیاء علوم الدین و کیمیای سعادت همین روش را برگزیده است، البته این روش در نثر متداول تر بوده است و شاید یکی از مشخصه‌های روشن سبک شعر سنایی همین باشد که در همان سده و سده‌های بعد رها شده است و برای نمونه در آثار منثور و منظوم عطار و مولوی کمتر دیده می‌شود.

در سطر دهم همان صفحه تا سطر سیزدهم سه حدیث از فرموده‌های پیامبر(ص) آورده است که از دیرباز در منابع استوار حدیث فرقه‌های گوناگون مسلمانان بازگوشده است و به اصطلاح در حدّ تواتر و مورد اتفاق همگان است. (لطفاً برای آگاهی بیشتر به صفحه ۹۵ بخش نخست جلد اول طبقات ابن سعد که از لحاظ تاریخ تنظیم مقدم بر صحیح بخاری و صحیح مسلم است، مراجعه فرمایید که با اندک اختلاف لفظی هر سه حدیث آمده است و می‌توان به صفحه ۱۴۷ جلد اول ترجمه همان کتاب مراجعه کرد، این حدیثها در بیشتر ستایش‌های شاعران بزرگ سده‌های پنجم و ششم سایه افکنده است.

برای نمونه خود سنایی در صفحه ۱۹۴ حدیقه چنین سروده است:

«بوده اول به خلقت و صورت و آمده آخر از پی دعوت»

نظامی در لیلی و مجنون صفحه (۱۱) چاپ برتلس چنین می‌گوید:

«ای ختم پیامبران مرسل حلوا ی پسین و ملح اول

نوباوه باغ اولسین صلب لشکرکش عهد آخرین طلب»

عطار هم در صفحه (۱۲) اسرارنامه چاپ روان شاد دکتر گوهرین این گونه گفته است.

«هنوز آدم میان آب و گل بود که او شاه جهان جان و دل بود»

و به راستی که کمتر شاعر و ادیبی همچون نظامی در مخزن الاسرار چاپ عبدالکریم علی اوغلی غلی‌زاده «فرهنگستان علوم شوروی سابق، صفحه‌های ۱۲ تا ۲۹» ستایش حضرت

ختمی مرتبت را چنان که باید و شاید به نظم کشیده است: و او را می‌توان همسنگ سنایی دانست.

درباره حدیث قدسی که خداوند متعال فرموده است «لولاک لما خلقت الافلاک» «اگر برای وجود تو نمی‌بود افلاک را نمی‌آفریدم» توضیح بیشتری را برای خوانندگان ارجمند لازم می‌بینیم که به عرض می‌رسانم. نخست اینکه این حدیث در بسیاری از آثار نثر و نظم که پیش از سنایی و پس از او تنظیم شده است، آمده است و بسیاری از استوانه‌های استوار عرفان و ادب به آن استناد کرده‌اند و چون آنچه که استاد بزرگ فقید فروزانفر در صفحه ۱۷۲ و ۲۰۳ کتاب ارزنده احادیث مثنوی مرقوم فرموده است، لازم بوده و کافی نیست و در ترجمه بسیار روان و همراه با کمال امانت استاد فرهیخته ابوالفضل وزیرنژاد که خدایش به سلامت دارد و توفیق بیشتر ارزانی فرماید فقط به جلد ۱۳، نقد و تحلیل مثنوی ارجاع داده است. به عرض می‌رساند که: شهاب‌الدین سهروردی عارف مشهور سده ششم هجری در کتاب «عوارف المعارف» ترجمه ابومنصور اصفهانی در سده نهم این حدیث را به این صورت آورده است، به صفحه ۲۴۳ چاپ استاد قاسم انصاری مراجعه فرمایید.

عبدالقادر گیلانی صوفی نامدار سده ششم، در گذشته به سال ۵۶۱ قمری که از معاصران سنایی است آن را با عنوان حدیث قدسی آورده است که «در حدیث قدسی فرماید لولاک لما خلقت الافلاک» (لطفاً به صفحه ۸۹ ترجمه آن کتاب به قلم آقایان مسلم و کریم زمانی مراجعه فرمایید).

بهاء‌الدین بلخی مشهور به بهاء ولد که پدر مولوی است و معاصر سنایی یا نزدیک به عصر اوست در کتاب معارف، صفحه ۱۴۱، ج ۱ چاپ مرحوم استاد فروزانفر، به هنگامی که از ارزش والای محبت سخن می‌گوید، چنین آورده است:

«حکمت‌الله از خلقت جهان بجز محبت نبود از آن که هیچ صفتی از این معنی کامل‌تر نبود از این معنی بود که مقصود از خلقت جهان محمد صلی الله علیه و سلم آمد که او حبیب‌الله بود، لولاک لما خلقت الافلاک اشارت بدان است.»

احمد غزالی برادر کهنتر محمد غزالی در صفحه ۵۳ کتاب مجالس خود که تقریرات اوست، این حدیث را به صورت گویاتری آورده است، یعنی به جای کلمه «افلاک» کلمه «کون» را آورده است که شمول بیشتری دارد، او ضمن بیان مقام رفیع حضرت ختمی

مرتبت می نویسد «یا محمد(ص)! لولاک لما خلقت الکون» و می دانیم که احمد غزالی در گذشته به سال ۵۲۰ هجری یعنی یک چهارم سده پیش از مرگ سنایی است، این حدیث به این صورت یادآور شعر نظامی در صفحه ۱۵ لیلی و مجنون است که گفته است.

«سرخیل تویی و جمله خیل اند مقصود تویی همه طفیل اند»

«سلطان سسریر کایناتی شاهنشده کشور حیاتی»

این منابع که به آن اشاره و برشمرده شد همه از منابع ارزنده اهل سنت است، در منابع شیعی هم این حدیث شریف آمده است و چون بر شمردن همه منابع سخن را به درازا می کشاند و با توجه به صفحات محدود مجله باید سخن را کوتاه تر کرد به دو منبع اشاره می کنم، ابن شهر آشوب مازندرانی در گذشته با سال ۵۸۸، هجری و به خاک سپرده در بیرون دروازه شهر جلب است. در صفحه ۲۱۶، ج ۱ ضمن مقایسه حضرت ختمی مرتبت و حضرت ابراهیم این حدیث را آورده است که خداوند متعال به پیامبر بزرگوار فرموده است: «لولاک لما خلقت الافلاک»

مجلسی هم در صفحه ۴۰۶ ج ۱۶ چاپ جدید از همین مصدر یعنی کتاب مناقب آورده است.

با این همه که گفته شد متأسفانه ابوالعباس مبرد از ادیبان سده سوم هجری و مؤلف نامور در رشته های گوناگون ادب و تاریخ اظهار داشته است که کلمه «لولا» بر ضمیر متصل وارد نمی شود و مستعمل نیست، ولی باید توجه داشت که دانشمند بسیار نامور سده هشتم یعنی ابن هشام انصاری مصری در دو کتاب ارزشمند خود که هر دو از معتبرترین کتابهای صرف و نحو شمرده می شوند و هنوز هم در حوزه و دانشگاه های بزرگ به ویژه از مصر کتاب درسی است در این مورد چنین می گوید:

الف - در صفحه ۲۷۴ ج اول، مغنی سطر سوم که چنین توضیح می دهد. «بر خلاف عقیده و گفته مبرد کلمه لولا به میزان اندکی بر ضمایر متصل به کار رفته و شنیده شده است. ضمناً خوانندگان گرامی توجه داشته باشند که نام این کتاب به صورت مُغنی در تلفظ عمومی و به صورت مَعْنی در ضبط استاد نامور معاصر شادروان محمد محیی الدین عبدالحمید که بر آثار ابن هشام شرح و حاشیه نوشته، آمده است.

ب، در صفحه ۲۵۱، سطر سوم کتاب شرح قطر الندی وَبَلُّ الصِّدْقِ هم نوشته است. «و لولا فی قولهم لولای و لولاک و لولاه هر چند کمتر به کار رفته است» آن گاه این بیت را شاهد آورده است که منسوب به عمر بن ربیعہ مخزومی است.

أَوْتَتْ بَعِينِيهَا مِنْ الْهُدُجِ لَوْلَاكَ فِي ذَالْعَامِ كَمْ أَحْجَجِ

«از کجاوه با دو چشم خود به من اشاره کرد که اگر امسال تو نمی‌بودی حج نمی‌گزاردم.»

و خوانندگان ارجمندی که خواهان توضیح بیشتری باشند، لطفاً به شرح محمد محیی الدین عبدالحمید در پابرج همان صفحه و صفحه بعد مراجعه فرمایند که شواهد دیگری هم از عمرو عاص خطاب به معاویه و از یزید بن حکم برادر مروان حکم خطاب به پسرعمویش ارائه داده است.

برای فزونی آگهی خوانندگان گرامی می‌گویم که علی بن محمد نحوی هروی ادیب بزرگ سده پنجم و در گذشته به سال ۴۱۵ هجری هم در کتاب الْأَزْهِيَّةِ فِي عِلْمِ الْحُرُوفِ بابی جداگانه از صفحه ۱۷۵ تا ۱۸۰ درباره چگونگی به کار رفتن کلمه «لولا» نوشته و تصریح کرده است که این کلمه بر سر ضمیر متصل می‌پیوندد و چند شاهد نشان داده است، که می‌توان به آن جا مراجعه کرد.

این همه سخن درازی، برای این بود که نادرست بودن سخن ابوالعباس میرد برای خوانندگان گرامی روشن شود، به یاد دارم به سال ۱۳۶۱ خورشیدی در مقدمه ترجمه دلائل النبوه بیهقی همین حدیث قدسی «لولاک لما خلقت الافلاک» را آورده بودم و ویراستار محترمی که گرایش‌های ویژه‌ی داشت، بدون گفتگو با این بنده در پابرج نوشته بود «این حدیث مستند و موثق نیست» و هنگامی که کتاب چاپ شده بود همین که به ایشان گوشزد کردم، فرمودند میرد گفته است که «لولا» بر ضمیر متصل به کار برده نمی‌شود!

و توضیح می‌دهم که چون از دیرباز در منابع شیعی کهن و برای نمونه در صفحه ۴۸ جلد دوم کتاب «عیون اخبار الرضا» تالیف شیخ صدوق در باب فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام از فرموده‌های حضرت ختمی مرتبت آمده است که «لولاک یا علی لما عرف المومنون بعدی» گروهی به این حدیث اعتراض کرده‌اند، و نباید از نظر دور داشت

که به گفته ابن ابی‌الحدید در صفحه ۷۶، ج ۵ چاپ استاد محمد ابوالفضل ابراهیم، گروهی از ناموران از ادیبان و محدثان گرایش به خوارج داشته‌اند که از جمله ایشان میرد است و به هر حال سخن میرد در این باره استوار نیست و نباید به آن سخن بسنده شود.

در سطر آخر مقدمه عربی سنایی دو حدیث دیگر آمده است که فعلاً فقط منبع آن را یادآوری می‌کنم و اگر زندگی بود در شماره‌های آینده در این باره و برخی احادیث و روایات دیگر توضیح می‌دهم.

حدیث «انا سید ولد آدم ولا فخر» با افزونی «یوم القیامه» در صفحه ۵۹، ج ۷ صحیح مسلم آمده است و به نقل از آن در جامع الصغیر سیوطی هم به شماره ۲۶۹۲ چاپ تازه بیروت نقل شده است.

حدیث بعدی «و آدم و من دونه تحت لوائی یوم القیامه و لافخر» با افزونی هایی در صفحه ۱۹۲، جلد دوم صحیح ترمذی آمده است و برای آگهی بیشتر از صورتهای گوناگون این هر دو حدیث، لطفاً به صفحه ۴۲، جلد اول کتاب ارزشمند فضائل الخمسة من الصحاح الستة مراجعه فرمایید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- ۱- ابن ابی‌الحدید - شرح نهج‌البلاغه، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره ۱۳۷۹. ق.
- ۲- ابن بابویه (شیخ صدوق) - عیون اخبار الرضا - به کوشش سید مهدی لاجوری، قم ۱۳۷۷. ق.
- ۳- ابن سعد، محمد بن منبع، الطبقات الکبیر، به کوشش ادوارد ساخا و همکارانش، لیدن ۱۳۲۲. ق.
- ۴- ابن شهر آشوب، محمد بن علی - مناقب آل ابی‌طالب، کتاب فروشی مصطفوی، قم بی‌تاریخ
- ۵- ابن هشام، عبدالله بن یوسف - شرح قطر الندی، به کوشش محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قاهره ۱۳۸۳. ق.
- ۶- ابن هشام، عبدالله بن یوسف - مغنی اللیب، به کوشش محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قاهره ۱۳۸۳. ق.
- ۷- بهاء ولد، محمد بن حسین - معارف - به کوشش بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، ۱۳۲۳ خورشیدی.

- ۸- بیهقی، احمدبن حسین - دلائل النبوه ترجمه، محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ خورشیدی.
- ۹- سنایی، حدیقه، تصحیح و تحشیه، محمدتقی مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۵۹ خورشیدی.
- ۱۰- سهروردی، عوارف المعارف، ترجمه ابومنصور اصفهانی، به کوشش قاسم انصاری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ خورشیدی.
- ۱۱- سیوطی، جلال‌الدین، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت بی‌تاریخ.
- ۱۲- غزالی، احمد، مجالس، به کوشش احمد مجاهد، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ خورشیدی.
- ۱۳- فروزانفر، احادیث مثنوی، تهران امیرکبیر چاپ دوم ۱۳۷۴ خورشیدی.
- ۱۴- فیروز آبادی، سید مرتضی، فضائل الخمسه، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ ق.
- ۱۵- گیلاتی، عبدالقادر، سرالاسرار، ترجمه مسلم و کریم زمانی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵ خورشیدی.
- ۱۶- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، اسلامیه، بی‌تاریخ.
- ۱۷- مسلم نیشابوری، الجامع الصحیح، قاهره، ۱۳۸۴ ق.
- ۱۸- نظامی، مخزن الاسرار، به کوشش عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده، فرهنگستان شوروی، بی‌تاریخ.
- ۱۹- وزیرنژاد، ابوالفضل، در سایه سار احادیث، مشهد، سخن گستر، ۱۳۸۱ خورشیدی.
- ۲۰- هروی، علی‌بن محمد، کتاب الازهیة، به کوشش عبدالمعین الملوچی، دمشق ۱۳۹۱ ق.